

پسگپتر باد مبارزات ضد رژیم

پس از گذشت پنجسال از آغاز حماسه آفرین جنبش مسلحانه در ایران و ادامه لبریز از کوشش و فداکاری آن امروز بیش از همیشه اهمیت پشتیبانی جهانی از این جنبش آشکار میشود. جلب این پشتیبانی و جهت دادن آن به شکلی که برای پیشبرد مبارزه انقلابی و مبارزه ضد استبدادی - ضد امپریالیستی در ایران بیش از پیش مؤثر واقع شود یکی از مهمترین مسائل نیروهای پشت جبهه است. جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های دانشجویی خارج از کشور که این امر مهم را همواره باز شناخته است نقش عظیمی در امر فوق بعهده داشته است. کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی، سازمان توده های جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان خارج از کشور، که سنگر مبارزه توده های دانشجو علیه رژیم شاه بوده و هست، فعالیتهای بسیار ارزنده ای در این زمینه و در پشتیبانی از جنبش انقلابی مسلحانه درون کشور و... انجام داده است. در این مرحله که تشدید مبارزه بی امان در تمام سطوح علیه فاشیسم پهلوی اهمیت بیش از پیش دارد این سنگر مبارزه مستحکم و پایدار موجب دلگرمی و امید همه دانشجویان خارج از کشور است. سنن پرافتخار مبارزاتی جنبش دانشجویی و مقاومت و ایستادگی آن در مقابل ارتجاع و مشی درست و آشتی ناپذیر ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی آن موجب شد که همه نیروهای مترقی و انقلابی از جمله سازمان ما به تأیید و پشتیبانی از آن برخیزند.

پس از انشعاب عده ای از کنفدراسیون جهانی، رژیم چنین تصور میکرد که اختلافات داخلی کنفدراسیون جهانی به نابودی این سنگر مبارزه می انجامد و مبارزات وسیع و توده ای دانشجویان خارج از کشور را دچار وقفه و اخلال کرده و سپس به نیستی میکشاند. این حساب ارتجاع غلط از آب در آمد. جنبش دانشجویی با حفظ دستاوردها و سنت های مبارزاتی خود قاطع و بی تزلزل به پیش رفت، دفاع همه جانبه تر خود را از جنبش سازمان داد، همبستگی خود را با مبارزات مردم علیه رژیم دست نشانده شاه اعلام داشت و موفقیت هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی مشت محکم بود بدهان یاره گویان و ارتجاعیون محمد رضا شاهی. این کنگره نشان داد که راه موفق گذشته جنبش دانشجویی ادامه دارد. مشی همبستگی با جنبش مردم و زندهانیان سیاسی و پشتیبانی از جنبش انقلابی مسلحانه داخل کشور با حدت و شدت دنبال و برنامه های دفاعی طرحریزی همه جانبه ای شد. سنگر مبارزه حفظ گردید و این کوشش پر ارزش از سه طریق مورد تأیید قرار گرفت:

- تأیید توده های دانشجویی با شرکت و سیع و بی نظیر خود.
- تأیید بیش از ۷۰ سازمان مترقی جهان و بخصوص

بسیاری جنبش های انقلابی و از جمله سازمانهای مختلف انقلاب فلسطین، انقلاب عمان، ام. پ. ال. آ. انگولا، جنبش چپ شیلی (میر) و... با اعزام نمایندگان و ارسال پیام های خود.

- و مهمتر از همه تأیید سازمانهای انقلابی داخل کشور، تأیید توده های دانشجویی از این نقطه نظر ارزش فراوان داشت که به رژیم ثابت نمود اختلافات داخلی در جنبش دانشجویی نباید موجب خوشحالی او شود و جنبش دانشجویی را در راه اضمحلال ببیند. این سنگر مبارزه با قدرت تمام راه خود را ادامه میدهد و علیه ارتجاع مستبد پهلوی در سطح جهانی با برخورداری از نیروی توده مؤثرأ مبارزه میکند.

اختلافات میان نیروهای ضد رژیم و مبارزه با انحرافات که به انشعاب عده ای از کنفدراسیون انجامیده اگر گریز ناپذیر بوده است باعث نخراهد شد که مبارزه نقصان یابد و اینرا شرکت توده های دانشجویی در کنگره ثابت میکند. تأیید سازمانهای انقلابی و مترقی سراسر جهان، اعلام وحدت جهانی علیه ارتجاع و فاشیسم بالاخص ارتجاع و دیکتاتوری شاه، اعلام همبستگی با جنبش دانشجویی بعنوان جزئی از جنبش مردم ما و مشی رزمنده آن در پشتیبانی از جنبش داخل کشور است. این اعلام همبستگی متعلق به خلق ما بوده و زمینه قدرت بین المللی جنبش دانشجویان ایران را نمایان میسازد.

تأیید سازمانهای انقلابی جنبش مسلحانه ایران مهمتر از همه نشانه همسوئی جنبش داخل و خارج کشور بود. جنبش دانشجویی در خارج و سازمان آن کنفدراسیون جهانی همیشه ثابت کرده که با همه قدرت پشتیبان مبارزات و مبارزان انقلابی است و در این زمینه با صداقت کامل عمل میکند، حد خود را میشناسد و بعنوان بخشی از جنبش و ظایف خود را بنا به امکانات و خصیصه خود اجراء مینماید. در این ارتباط لازم است که بیک نکته اشاره کنیم. عده ای انتظار دارند که جنبش دانشجویی از سنتها و دستاوردهای خود دست کشیده و در پشتیبانی از سازمانهای درون کشور یک جزء جدید وارد سازد و آن دخالت مستقیم در امور داخلی سازمانهای درون کشور و موضع گیری در زمینه اختلافاتی است که در بیک سازمان یا بخشی از جنبش پدید میآید. در این میان بطرفداران مشی که با قاطعیت از مبارزات درون کشور و حاملین این مبارزات - سازمانهای انقلابی - دفاع کرده و میکنند انتقاد کرده و بعنوان مختلف آنان را مورد حمله قرار میدهند که چر این مبارزان در مورد مسائل جدید سازمان مجاهدین خلق ایران، موضعی باصطلاح قاطع علیه آن سازمان اتخاذ نمیکند. اینان میخواهند ضمناً جنبش

بقیه در صفحه ۲

نقصان یابد و اینرا شرکت توده های دانشجویی در کنگره ثابت میکند. تأیید سازمانهای انقلابی و مترقی سراسر جهان، اعلام وحدت جهانی علیه ارتجاع و فاشیسم بالاخص ارتجاع و دیکتاتوری شاه، اعلام همبستگی با جنبش دانشجویی بعنوان جزئی از جنبش مردم ما و مشی رزمنده آن در پشتیبانی از جنبش داخل کشور است. این اعلام همبستگی متعلق به خلق ما بوده و زمینه قدرت بین المللی جنبش دانشجویان ایران را نمایان میسازد. تأیید سازمانهای انقلابی جنبش مسلحانه ایران مهمتر از همه نشانه همسوئی جنبش داخل و خارج کشور بود.

پیام

چریکهای فدائی خلق به میتینگ جبهه خلق برای آزادی عمان

بسیار خوشوقتم از فرصتی که این میتینگ در اختیار ما قرار داده تا بار دیگر همبستگی کامل خود را نسبت به خلق در حال مبارزه عمان تأکید کنیم. اینک بیش از ده سال است که خلق عمان زیر رهبری انقلابی جبهه آزادیبخش خلقی عمان جنگ پرافتخار آزادیبخش خود را آغاز کرده است.

پیروزیهای درخشانی که انقلابیون عمان از همان سالهای نخستین مبارزه مسلحانه بدست آوردند و از آنجمله آزادی برق آسای ایالت ظفار و اقبال توده های مردم به انقلاب از آن تاریخ تا امروز درستی دید آنها را برپوده در انتخاب جنگ خلقی بعنوان وسیله بیرون راندن استعمار از منطقه، پایان دادن به حیات رژیم های عتیق موجود و ستم چند هزار ساله طبقات حاکم در آنجا بخوبی ثابت رسانده است. ولی اینجا نیز به حکم یکی از قوانین جنگ آزادیبخش خلقی که بارها بشبوت رسیده، مبارزه دشوار بوده و هست و راه آن طولانی و پرپیچ و خم.

معد الك، علیرغم سکوتی که امپریالیست ها، نوکران و متحدان اصلی آنها پیرامون این کانون طراز اول جنگ انقلابی در خاورمیانه برقرار کرده اند، کافی است نگاهی بر وسعت و مسائل و نیروهای که از طرف امپریالیسم بحرکت در آمده بیاند ازیم تا بتوانیم از خطری که جنگ آزادیبخش عمان در نظر امپریالیسم دارا است تصویری بدست آوریم: بدنبال شکستهای خفت انگیز نیروهای انگلیسی و مزدوران محلی، متعاقب پخش شدن ناوگان امریکا در آبهای خلیج و اقیانوس هند و مداخله وسیع نیروهای هوایی - دریایی و زمینی ارتش شاه و لژیونهای ملک حسین پاد شاه اردن، امپریالیست ها بخاطر بقع انداختن شکست کامل خود در برابر ارتش آزادیبخش کوچک خلقی یک میلیون نفری حق از بیسندان کشاندن نیروهای کمکی عربستان سعودی و مشاوران نظامی پاکستانی نیز نتوانستند خود داری کنند!

مهمتر آنکه، در برابر چشم اندازهای روشنی که انقلاب گشوده بود همان کسانی که جلاذ پیر خلق عمان سلطان سعید بن تیمور را که به مردی کاملاً عقب مانده از اوضاع تبدیل شده بود بر تخت نشانده بودند ناچار شدند پسرش را که بنظرشان برای تأمین منافع امپریالیسمی که بیش از پیش شاهد بیرون رانده شدن خود از همه جاست مناسب تر می نمایندجای او نشانندند؛ و اما اصلاحات دست و پا شکسته ای هم که از طرف رژیم جدید آغاز شد و انقلاب سفید، رقت آور برادر بزرگتر ایرانیش را بیاد میآورد، نیز با همه

بقیه در صفحه ۲

این حق مسلم توده ها است که خشونت پیرامون را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

دانشجویی را نیز بدخالت و موضعگیری در مورد مسائل داخلی سازمانهای انقلابی بکشاند. این حلات به مثبعموهمی دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما نیز کشانده شده است. از آنجائیکه ما همواره از این خط درست جنبش دانشجویی یعنی دفاع بی قید و شرط از جنبش انقلابی درون کشور (البته با محدوده و براساس خصلت و امکانات خود) دفاع کرده ایم بی مناسبت نینداینم نظر خود را بسیار خلاصه درمورد فوق بیان داریم.

در ابتدا بگوئیم که ما بنوبه خود در میان منقدین و حمله کنندگان به مثبعموهمی جنبش دموکراتیک دو دسته را از یکدیگر جدا میکنیم. یکی مذهبیون صادقی که در گذشته نیز با اعتقاد و خلوص نیت و کوشش از سازمانهای انقلابی مسلح دفاع کرده اند و دسته دیگری که در تمام دوران چند ساله اخیر با دفاع مشروط خود در واقع جنبش مسلحانه و بخش معتقد باسلام آترا و ثیفه کسب و جبه و طرح مسائل انحرافی و گاهی ارتجاعی خود قرار داده اند و حمله امروز آنان به سازمان مجاهدین خلق ایران نیز از آن موضع و از موضع انتمی کمونیزم است. با این جمع مارا کاری نیست. اما مسائلی را که دسته اول همراه با بسیاری عناصر مارکسیت و ضد امپریالیست دیگر مطرح میکنند تا جائیکه با صداقت و در جهت پیشبرد و تشدید مبارزه انقلابی علیه رژیم صورت میگیرد، شایان توجه همه مبارزین میدانیم. اینان سؤال میکنند که چرا رفقای مارکسیت سازمان مجاهدین یک سازمان مستقل مارکسیتی - در کنار و جدا از رفقای مذهبی - بپوچد نیاوردند (یا بعبارت دیگر مثلا سازمان مجاهدین را بصورت جبهه متشکل از دو سازمان مارکسیتی و مذهبی در نیاوردند) یا چرا رفقای مارکسیت سازمان مجاهدین در صورت توافق مثنی به سازمان چریکهای فدائی خلق نیبوستند؟... ما طرح این سؤالات رادرمیان مبارزان اصولی و صحیح و مورد بحث جنبش میدانیم و عمدتا و در درجه اول وظیفه سازمانهای درون جنبش است که بیش از پیش به برخورد و جواب باین سؤالات بپردازند (و نیروهای دیگر اپوزیسیون که محظورات یک سازمان جنبش توده ای را ندارند نیز میبایست مسؤل و با توجه باین مسائل و شرایط و اینکه چگونه و چه زمانی تحلیلی همه جانبه ضروری است باین امر اقدام کنند). اما ضمناً روش کنفدراسیون جهانی رادر تأیید از سازمانهای درون کشور و پشتیبانی بی قید و شرط از جنبش مسلحانه بدون ورود به بحثهای داخلی سازمانها، موضعگیری در این زمینه و ارزبایی رانیز کاملاً صحیح میدانیم و این را نه از طرف خود و نه از طرف جنبش دانشجویی نفی طرح سؤالات فوق و بررسی همه جانبه آنها نمیدانیم. امروزه بیش از همیشه روشن شده است که حفظ دستاوردهای جنبش دانشجویی و پشتیبانی از مبارزات کنفدراسیون تا چه اندازه مهم است و نیروهای مترقی خارج از کشور چه تمهد گرانی در دفاع از مبارزات مردم در شدیدترین شرایط خفقان دارند.

ما با اعلام پشتیبانی از کنگره هفده و مبارزات دفاعی پس از آن، اشغال سفار تخانه، و محل های تبلیغاتی رژیم و تظاهرات و اعتصابات غذا و کلیه کوششهای در خشان ضد رژیمی امیدواریم که این روند پویا و پیروزمند بی وقفه ادامه یابد.

بقیه پیام چریکهای فدائی خلق به

احوال، تحت فشار مقتضیات ناشی از جنگ انقلابی صورت گرفت.

منافع قابل ملاحظه ای که مورد نزاع است و امپریالیست ها را به چنین گسترش نیروئی برمی انگیزد درست همان منافعی است که آنها را به نگهداشتن و تقویت

فاشیسم شاه نیز وادار می کند. آیا ذکر این نکته ضروری است که بیش از ۶۰٪ از خسائر انرژی نفت و گاز طبیعی جهان در سرزمین های خلق های منطقه متمرکز است و هنوز قسمت اعظم آنها - یعنی باستانهای یکی دو کشور - هنوز تحت بهره برداری و کنترل امپریالیست ها و نوکران محلی آنها قرار دارد؟ کافی است فقط یکی از رژیم های دست نشانده منطقه در زیر ضربات یک انقلاب واقمی سرنگون شود و آنگاه خواهیم دید که در شرایط کنونی منافع مطلقاً حیاتی استثمارگران امپریالیست و بورژوازی نوزاد منطقه چگونه بخاطر میافتد.

بدین ترتیب انترناسیونالیسم پرولتاریائی که در مقیاس سراسر جهان باید بتابه اصل کلی راهنمای عمل همه انقلابیون پرولتری باشد، با توجه به معانی بلا واسطه، صور مشخص و مبارزات مشترکی که از خلال آنها میتواند و باید در هر منطقه بسته شود، با روشنائی خاصی آشکار میشود.

این اصل همانقدر درباره مجموعه منطقه خلیج و خاورمیانه صدق میکند که درباره کشورهای مختلف شبه جزیره هند و چین، امریکای لاتین (که چهار سازمان انقلابی آن که اعلامیه مشترکی امضاء کرده اند در آن بر همین اصل تکیه کرده اند) و بخش های مختلف افریقا که آزادی کامل آنگولا و موزامبیک در آن از آزادی خلق های دیگر منطقه نویدهای بزرگی میدهد صادق است.

در ماوراء پیوندهای تاریخی و فرهنگی که تاکنون در جهت همبستگی عملی وسیع خلقهای منطقه موثر بوده و باید امید وار بود که بیشتر از پیش موثر باشد، وجود دشمن مشترک است که هرروز ما را بهم نزد یکتر میکند: وجود حکومت فاشیستی شاه و حکومت صهیونیستی بعنوان پایگاههای اصلی سلطه جوئی و دسیسه چینی فعالان و هماهنگ علیه مجموعه خلق های منطقه از جمله عواملی هستند که همبستگی و تعاون متقابل میان سه کانون اصلی انقلاب در خاورمیانه یعنی انقلابهای عمان، فلسطین و ایران را به موضوعی حیاتی تبدیل میکند: این امر بخوبی در مورد انقلاب فلسطین که همگی مردم منطقه آترا از آن خود می شمردند و آثار آن صدق میکند چنانکه مک برادرانه آن به انقلابیون ایران بویژه از جهت ارزش انترناسیونالیستی آن واجد اهمیت بسیار بوده است. این حکم درباره انقلاب ین بویژه از طریق همبستگی فعالان و خلل ناپذیر آن نسبت بانقلاب عمان نیز صادق است؛ این مک برادرانه و رفتار انتر-ناسیونالیستی آزموده شده ین در جهت حمایت از رزمندگان انقلابی عمان در برابر ارتش تجاوز کار شاه بسیار گرانبها از کاردر آمده است.

بالاخره مورد دیگر این حکم، انقلاب ایران است که از ۲۳ سال پیش تاکنون با یکی از خونخوارترین رژیم های دست نشانده فاشیستی جهان دست بگریبان است و سنگینی وظیفه ای که بر عهده دارد - متناسب با اهمیت استراتژیکی است که کنترل ایران در نظر امپریالیست ها دارا است.

بنابراین، اگر در نظر داشته باشیم که امپریالیست ها و شاه که نقش ژاندارم منطقه را بعهده گرفته تمیزی میان انقلابها قائل نمیشوند و در هر کجا که امکان داشته باشند برای درهم کوفتن هر جنبشی که منافعشان را بخاطر بیاندازد با سلاح های واحدی مداخله میکنند، آنگاه روشن میشود که تفکیک جریانهای انقلابی مختلف منطقه و در نظر گرفتن سرنوشت هر یک بطور جد اگانه تا چه میزان نادرست و نامعقول خواهد بود.

در این باره باید گفت مردم ایران که فرزند انشان برای سرکوب کردن برادران عمانی خود و تحمق نقشه های توسعه طلبانه شاه و سرمایه داری نوکیسه ایران بعنوان گوشت دم توپ همچنان مورد استفاده قرار میگیرند انقلاب عمان را بطور کاملاً مستقیم بخود مربوط می دانند.

خلق ما که در مبارزه ای بی امان و آتشی ناپذیر علیه فاشیسم شاه و اربابان امپریالیستش در گیر است، علیه غم

سماجت و تقلانی که آنها برای حفظ کنترل ایران هم بخاطر تاراج و اتلاف ثروت های عظیم آن و هم بعنوان پایگاه اصلی خود برای مراقبت و دست اندازی در منطقه نشان میدهند سر انجام بر آنها فائق خواهد آمد.

مبارزه انقلابی مسلحانه علیه فاشیسم عتیق شاه و سی - آی - ا و بخاطر سوسیالیسم که شش سال پیش از جانب سازمان ما در ایران آغاز گردید از آن زمان تاکنون راه درازی را پیموده است. علیه غم خشونت بی حساب ضرباتی که ما و دیگر انقلابیون مسلح از طرف فاشیسم خورده ایم و در ما وراثتات سنگین درد ناکی که بر ما وارد آمده است، سازمانها و گروه های انقلابی مسلح همچنان افزایش و رشد یافته اند.

در زیر ضربات مبارزه مسلحانه بود که رژیم گندیده شاه که در خود ایران منفور و مطرود توده های خلق و مجموع نیروهای دموکراتیک بود، ناچار شد در مقابل افکار عمومی جهانی نیز بیش از پیش نقاب از چهره بردارد تا جائیکه بعنوان فرومایه ترین رژیم موجود کره ارض در حال حاضر شناخته شود.

مقاومت مسلحانه ما در برابر فاشیسم عقب مانده شاه با وجود برخورداری از حمایت قشرهای پیش از پیش وسیعتر مردم، در شرایط بسیار دشواری انجام میگردد.

سکوتی که از جانب ارتجاع جهانی در باره انقلاب عمان سازمان داده شده شامل حال ما نیز هست و جنایات نفرت انگیز هر روزه پاپیس و نیروهای نظامی ایران در داخل مرزهای ما نیز از جانب قدرتهای بورژوازی که بر سر کار هستند بسکوت بر گزار میشود.

رژیم شاه که تعفن آن بر حله پیشرفته ای رسیده با ظاهر ثابت خود بر نزدیک بینی جبلی قدرتهای بورژوازی میافزاید.

با وجود این، نتایج ضد انقلابی ناشی از ادامه حیات بیشتر رژیم شاه - خواه بعنوان ژاندارم منطقه و خواه بعنوان جلا د مردم ایران چندان مهم هستند که لازم است نیروهای انقلابی و آزاد بخواه جهان بر آنها آگاهی یابند و نیروهای خود را برای افکندن این رژیم به انفرادی که سزاوار آن است بهتر هماهنگ سازند.

رژیم ارتجاعی قابوس، بدون حمایت مسلحانه شاه و اربابان امپریالیست او زمان درازی دوام نخواهد آورد؛ درست همانطور که این یک نیز نخواهد توانست بدون رضایت و پشتیبانی فعالان حامیان امریکایی خود بیش از این مقاومت کند و بر سر پایماند.

بدین ترتیب حمایت از انقلاب عمان با تسریع انقراض یک حکومت ارتجاعی یعنی حکومت قابوس، در عین حال ضربه سختی بر بلند پروازیهای توسعه طلبانه فاشیستی و دپرس شاه نیز خواهد بود. همین طور نیز هرگونه حمایت موثر و همبستگی عملی نسبت بانقلاب ایران با تضعیف ارتجاعی که ما مستقیماً با آن نبرد می کنیم بنوبه خود پیروزی کامل انقلاب عمان را تسریع خواهد کرد.

هر چند این دو وظیفه در وهله نخست بر عهده دو خلقت و مبارزان انقلابی دو کشور است و ظایفی انترناسیونالیستی برای تمام انقلابیون و آزاد بخواهان جهان نیز وجود میآورند.

انقلابیون ایران به سهم خود، پیمان همبستگی با کانونهای دیگر انقلاب در خاورمیانه را باخون خود بسته اند. اگر میتوان از پیروزیهای که انقلاب فلسطین توانسته در سالهای اخیر در زمینه بین المللی بدست آورد و پیشرفتهائی که در سطح جهان در جهت شناختن بهتر این امر حاصل شده خوشوقت بود در باره انقلاب های عمان و ایران نمیتوان اینگونه سخن گفت.

آیا میتوان امید وار بود که تظاهراتی نظیر این میتینگ همبستگی نسبت به انقلاب عمان، یا ابراز همبستگی بین المللی بسابقه ای که چندین پیش در طی کنگره

کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی نسبت با انقلاب ایران بعمل آمد طلابهائی از پیشرفتهای مشابهی برای انقلاب های مزبور باشند ؟

درست است که انقلابیون جهان ، فلسطین و ایران با نیروهای مشترک خود خواهند توانست از عهده ستمگران امپریالیست بر آیند معذالک شایسته تکرار است که در مبارزه طولانی و دشوارشان همه اشکال کمک و همبستگی از جانب دیگر نیروهای مترقی جهان برای آنها بسیار ذقیمت خواهد بود ، مطلع ساختن بیشتر افکار عمومی مردم جهان برای بهتر نشان دادن موضوع و دامنه این مبارزات و ویژگیهای هر یک از آنها بنظر ما فوری ترین جنبه این کمک را تشکیل میدهد . مرگ بر امپریالیزم امریکا وانگلستان و کلیه مرتجعین منطقه .

دست ارتش مداخله گر شاه از عیان کوتاه زنده یاد نبرد خلق قهرمان عمان

زنده یاد همبستگی انترناسیونالیستی خلق های منطقه و کلیه خلقهای جهان

سازمان چریکهای فدائی خلق اسفند ۱۳۵۴

بقیه اعلامیه اعدام انقلابی حسین ناهیدی می شناختند . بسیاری از کارگرانی که بخاطر گرفتن حق خود از سود ویژه کارخانه و یا اضافه کردن دستمزد سالانه و یا انتخاب نماینده ای واقعی کارگران دست به اعتصاب زده بودند به سازمان امنیت برده می شدند و توسط این فرد و همکارانش مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند .

دانشجویان مبارز و آزاد بخواه دانشگاه مشهد نیز بخوبی با این چهره منفور دولت شاه آشنائی داشتند و بسیاری از آنها طعم شلاقهای رژیم پهلوی این نوکر سرمایه داری داخلی و خارجی را چشیده بودند .

این فرد که از طرف دستگاه مرکزی سازمان امنیت در تهران دوره های آموزشی و تخصصی مختلفی را گذرانده بود در حرفه و شغل کثیف خودش استاد بود و با مهارت مبارزین کم تجربه و جوان را مورد بازجویی و شکنجه قرار میداد و با استفاده از تعالیم منجرعی که باو داده بودند حق می می کرد با مبارزین بحث کند و با اصطلاح غلط بودن کار آنها را ثابت کند .

او حق یکبار باوقاحت تمام گفته بود : « این درست است که بالاخره روز گار همین شکل باقی نمی ماند و بالاخره کارگران و زحمتکشان حق خودشان را خواهند گرفت . ولی ما را هم برای این درست کرده اند که جاوی حق طلبی مردم را بگیریم ، و نگذاریم اوضاع بضرر سرمایه دار هاوغاصبین عوض شود . »

حسین ناهیدی هم چنین دشمن شماره ۱ چریکها در استان خراسان بود او با استفاده از وسایل و امکانات و پرورنده های سازمان امنیت اقدام به دستگیری و بازجویی مبارزین می نمود و فرزندان مبارز خلق را که بخاطر گرفتن حق کارگران و تمامی زحمتکشان شهر و روستا اسلحه بدست

کمیته همبستگی با خلق ایران

آدرس پستی

P.O. Box 5111 - Mualla, Aden
People's Democratic Republic of Yemen.

آدرس بانکی

National Bank of Yemen
P. D. R. Y., Aden, Steamer point
Account No. 59323

گرفته و قیام کرده اند مورد شکنجه و آزار قرار می داد .

ولی گویا او هنوز خوب نفهمیده بود که « ظلم پایدار نیست » و بالاخره مردم برای گرفتن حق خودشان اقدام خواهند کرد و زور گویان را مجازات خواهند نمود .

چرا ما حسین ناهیدی را با اعدام محکوم کردیم ؟

دلایل ما برای محکومیت حسین ناهیدی به اعدام عبارتست از :

۱ - او کارگران حق طلب و اعتصاب کننده را که بخاطر سیر کردن شکم زن و فرزند خود دست به اعتصاب زده بودند شکنجه و آزار میداد .

۲ - حسین ناهیدی دانشجویان آزاد بخواه و میهن پرست را مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار می داد و بدترین اهانتها را به آنها روا می داشت و این مبارزین جوان را به زندان می انداخت .

۳ - او در نو کوری دستگاه فاسد دولت سنگت تمام می گذاشت و بقصد گرفتن پول و پاداش از هیچ عملی بشیرمانه ای خود داری نمیکرد .

۴ - حسین ناهیدی زندانیان سیاسی و مبارزین جان برکف گرفته راه رهائی خلق را آزار می داد و شکنجه می کرد و سدی بود برای رشد و گسترش مبارزات حق طلبانه مردم زحمتکش خراسان .

مردم مشهد بخاطر میآوردند که در تابستان گذشته رزمندگان سازمان ما در جریان یک رشته از درگیریها وزدو خورددهائی بامامورین شهربانی سازمان امنیت و ژاندارمری دو پاسبان پلیس را کشتند و چندافسر و درجه دار را بسختی مجروح نمودند . علت این درگیریها آن بود که این مأمورین میخواستند در خیابان های مشهد و پاروستاهای اطراف شهر رفقای ما را مورد بازسی قرار دهند و از فعالیت آنها که آگاه کردن مردم با پیش کتاب و اعلامیه های توضیحی انقلابیست جلوگیری کنند در تمام این درگیریها رفقای مسا بخاطر رفع مزاحمت مأموران پلیس با آنها درگیر شدند و مأموران دشمن را کشتند و مجروح ساختند و در این جریانات دو قبضه سلاح کمری اسپرینگ فیلد آمریکائی نیز به غنیمت گرفتند .

و لیکن ما اعلام می کنیم که مسئولیت این درگیریها تماما با خود پلیس بوده اگر پلیس مزاحم ما در اجرای برنامه هایمان نمیشد ما مهربه آنها کاری نداشتیم همین دلیل بنام مأموران اجرائی پلیس ، ژاندارمری و سازمان امنیت اغظار میکنیم که اگر بخوانند در اجرای فعالیتهای انقلابی ما اخلاص کنند جوابشان را با گلوله ای داغ می دهم ولی اگر سر خود را پائین انداخته و کاری نداشته باشند از گرفتار شدن به سرنوشت کشته شدگان و مجروحین پلیس در امان خواهند بود . آنها باید بدانند که ما هدف خودمانرا از میان آدمهائی مثل ناهیدیا انتخاب می کنیم و با مأموران جزء در صورتیکه در فعالیتهای ما کارشکنی نکنند کاری نداریم .

مردم شریف مشهد !

عکس العمل تأیید آمیز و مثبت طبقات مختلف مردم شهر مشهد در مقابل اعدام انقلابی حسین ناهیدی این مأمور بلید سازمان امنیت دولت شاه برای سازمان ما باعث افتخار و مباهات است . ما از اینکه مردم مشهد از عمل ما حمایت میکنند خوشحالیم . بهترین پاداش برای مائی که جان برکف در راه آزادی هم میهنانمان از چنگال دستگاه زور و ستم دولت قیام کرده ایم و از همه چیز خود گذشته ایم ایفست که مردم با واقعبیت هدفهای ما آشنا شوند و راه ما را که راه رهائی و آزادی ملت ایرانست دنبال کنند و هیچ وقت زیر بار زور نروند و همیشه در جهت گرفتن حق خود کوشا و مبارز باشند .

ما در مشهد کارگران زحمت کش را دیدیم که آرزو میکردند چریکها هرگز دستگیر نشوند و بتوانند در جهت هدفهای خود بیشتر موفق شوند .

ما در مشهد دانشجویانی را دیدیم پس از اعدام

ناهیدی از سوی گریستند و شور مبارزه در دلها یشان شکوفه زد و با تمام وجود اقدام ما را تأیید کردند .

ما در مشهد پیر زنانی را دیدیم که عمل ما را تأیید کردند و میگفتند : « این جواب ظلم بی حد دولت است » خدا آنها را نگهدارد !

ما حق در مشهد پاسبانهای را دیدیم که به یکدیگر تذکر میدادند که نباید با مردم بد رفتاری کرد .

و بالاخره ما در مشهد سرتیپ شهبان رئیس سازمان امنیت استان خراسان را هم دیدیم که در پشت تابلو ناهیدی مانند عجزوها ها گریه می کرد و دیدیم که چگونه غم و اندوه این ستمکار باعث شادی و نشاط مردم زحمت کش است .

مردم مبارز خراسان !

سازمان چریکهای فدائی خلق بخاطر دفاع از منافع مردم زحمت کش و میهن پرست بوجود آمده است و با هر نوع ظلم و ناحقی مبارزه می کند رزمندگان ما حاضرند صد بار کشته شوند ولی زیر بازو و ناحقی نروند و شاد ستم کشیدن مردم زحمت کش نباشند .

سازمان چریکهای فدائی خلق طرفدار احقاق حق کارگران زحمتکش است ما از حق کارگرانی که حقوقشان را زیاد نمی کنند ، سود ویژه به آنها کم میدهند و یا نمی دهند و حق انتخاب نماینده واقعی و دلخواه خود را ندارند حمایت میکنیم .

ما طرفدار دهقانانی هستیم که زیر بار قرض و بانکها و تروپوواران کرشان خرد شده است و باز هم مفت خورها دست از سرشان بر نمی دارند .

ما طرفدار کسبه زحمتکش هستیم که از هرسو زیر بار ستم قرار دارند و هر روز مالیات جدید و عوارض تازه ای بزور و تهدید از آنها می گیرند .

ما طرفدار دانشجویان و روشنفکرانی هستیم که از طرف دولت در قید و بند قرار گرفته اند و آزادی بیان و آزادی اندیشه سالم از آنها سلب شده است و حق دفاع از مردم و حق دفاع از حقوق و شخصیت انسانی از ایشان گرفته شده است .

و بالاخره ما طرفدار تمام مردم شریف و زحمتکش شهرها و روستاهای ایران هستیم و بخاطر احقاق حق هم میهنان خود مبارزه می کنیم .

سازمان ما همین خاطر در سال گذشته انفجاری در استاندارای خراسان انجام داد تا بدینوسیله نسبت به ظلم و ستم دستگاه نیابت تولیت آستانه که بنام مقدسات مذهبی مردم خراسان را غارت می کند اعتراض کند .

هم میهنان ! سازمان چریکهای فدائی خلق که در ۱۹ بهمن ماه هزار و سیصد و چهل و نه با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل مبارزات نوین خلق ایران را پایه گذاری کرد بخاطر اوج بخشیدن به مبارزات حق طلبانه مردم ایران همچنان به فعالیت انقلابی سازنده خود ادامه میدهد امیدوارست بیاری مردم زحمتکش و آزادیخواه ایران بخصوص کارگران حق طلب ایران در مبارزه های دشوار و طولانی دستگاه ظلم و ستم و دولت و سرمایه دارها را درهم بریزد و حکومت زحمتکشان را در ایران برقرار کند . ما بامید آرزومی جنگیم و اگر زنده مانیم هیچ مهم نیست زیرا خلق ما زنده خواهد بود و از ثمرات مبارزات ما بهره مند خواهد شد ما از هم اکنون ببناد آرزوهای پیروزی شادمان و سرافرازیم .

پیروز باد مبارزات زحمتکشان ایران !

مرگ بر سازمان امنیت که سد راه مبارزات حق طلبانه زحمتکشان است .

یا مرگ یا ابرت آزاد شده

با ایمان به پیروزی راهمان

سازمان چریکهای فدائی خلق



اعلامیه

سازمان چریکهای فدائی خلق

درباره :

اعدام انقلابی حسین ناهیدی سرباز جو و معاون

سازمان امنیت شاه خائن در مشهد

در ساعت ۴۵-۷ بامداد روز چهاردهم بهمن هزار و سیصد و پنجاه و چهار حکم اعدام انقلابی حسین ناهیدی سرباز جوی معروف سازمان امنیت مشهد توسط یک واحد از رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق بورد اجرا در آمد.

حسین ناهیدی چگونه اعدام شد ؟

حسین ناهیدی که ورزیده ترین مقام امنیتی در استان خراسان بشمار می آمد همیشه يك سلاح کبری باخودش حمل می کرد، او صبحها هنگام خروج از منزلش در حالیکه دسته ای اسلحه کمرش را که در جیب بارانی قرار داشت می فشرد اطراف منزل را مورد بررسی و کنترل قرار می دادو پس از کسب اطمینان از عدم وجود چریکها در اطراف منزل اتومبیل خود را خارج کرده و به اداره مرکزی سازمان امنیت استان می رفت .

در صبح روز عمل این فرد پلید مثل همیشه در حالیکه اسلحه اش را در جیب بارانی بدست گرفته بود از منزل خارج شد ولی به ناگاه خود را بارققای ما مواجه دید او در حالیکه چشانش از حقه در آمده بود عقبگرد کرد ولی رفقها از فاصله ۸ متری او را به رگبار مسلسل بستند و در حال پیشروی بدست این فرد خائن و ستمکار ۲ رگبار دیگر به او شلیک کردند و سپس با اسلحه کبری آخرین تیرهای خلاص را باو زدند . عنصر خائن که اسلحه اش را همچنان در دست داشت زوزه کشان بدون آنکه بتواند حتی يك گلوله شلیک کند از پای در آمد و زندگی ننگینش به پایان رسید . رفقها پس از اعدام او سلاح کبری کالیبر ۳۲٪ اینچ او را که ساخت آمریکا بود بنام خلق زحمتکش ایران ضبط کرده و سالم به پایگاه خود مراجعت کردند .

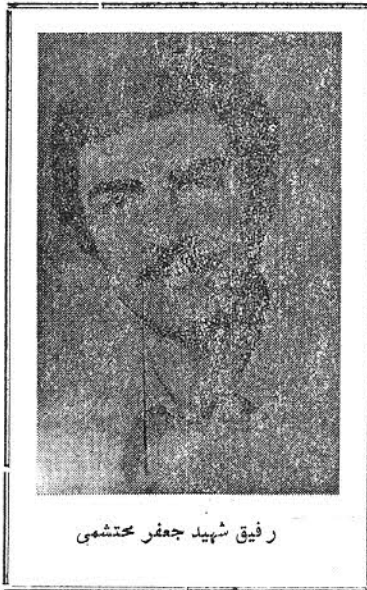
حسین ناهیدی که بود ؟

در استان خراسان و بخصوص شهر مشهد بسیارند کسانی که حسین ناهیدی را می شناختند . او سرباز جوی سازمان امنیت مشهد و بقولی معاون سازمان امنیت مشهد بود . او کسی بود که شخصا به اکثر پورنده هائیکه از طرف سازمان امنیت برای مردم زحمتکش و حق طلب ساخته می شود رسیدگی میکرد و در هنگام بازجویی این مردم ستمدیده را بلاشک به شکل توهین آمیزی کتک میزد و پس از ماهها رنج و آزار آنها را بر زندانهای طولانی محکوم می نمود . حسین ناهیدی را کارگران مبارز و حق طلب مشهد

بقیه در صفحه ۳

در درگیری تبریز - دوشنبه ۶ بهمن - بین اعضای يك پایگاه از سازمان چریکهای فدائی خلق و نیروهای دشمن که رژیم خبر آترا تحریف شده منتشر کرد میزان بسیج نیروهای دشمن افسانهای بود . مسلسل های سنگین و نفرات بیشمار ، پایگاه را محاصره کردند بطوریکه امکان فرار وجود نداشت و همه رفقا به شهادت رسیدند . دونفر از رفقا که توانسته بودند از پایگاه خارج شوند در خیابانهای طی درگیری شهید شدند . از میزان تلفات دشمن اطلاعی در دست نیست .

در جریان زد و خورد تبریز رفقا رضا یثربی ، مسعود پرورش ، عبدالمجید پیر زاده چهارمی ، جعفر محتشمی و فاطمه افندرنیا بشهادت انقلابی نائل شدند . خونشان درخت انقلاب ایران را آبیاری میکند .



رفیق شهید جعفر محتشمی

در تاریخ ۲۴ مهرماه گذشته چهار رفیق از سازمان چریکهای فدائی خلق که با ماشین فولکس واگنی از خیابان گرگان - نظام آباد میگذشتند مورد تعقیب يك ماشین ساواک قرار می گیرند . ولی براه قاطعیت رفقا ، قبل از آنکه ساواکیها دست بکار شوند رفقا آنها را به رگبار مسلسل می بندند و در این اثناء دو رفیق از ماشین پیاده شده و دور رفیق دیگر با ماشین موقف به فرار می شوند . در ادامه درگیری ، رفیق دختری که مشغول جنگ و گریز بوده یکی از مزدوران دشمن را بضرر گلوله مجروح می سازد و پس از مشاهده عدم امکان فرار با نارنجک خود کشی میکند تا زنده بدست مزدوران دشمن نیفتد . چنین شایع است که رفیق دیگری نیز در این درگیری بشهادت رسیده است . بدنبال این درگیری ، پلیس به کنترل شدیدی در منطقه دست می زند و بکروز پس از درگیری ، منطقه شمال خیابان شاهرضا (حدود خیابان گرگان و سمان فارسی و نظام آباد) را خانه به خانه مورد بازرسی قرار میدهد . در این بازرسیها مزدوران ساواک بالباس شخصی ، بجز به بیسم ، به عنوان پلیس به خانه ها مراجعه نموده و از افراد خانه بازرسی (اسم ، شغل ، تعداد افراد ساکن در منزل و ...) بعمل می آورده اند . در مورد خانه هائی که ساکنین آن دانشجو یا مجرد بوده ، یا خانه هائی که بنظر شان مشکوک می رسید حساسیت زیاد بخرج داده و دقیقاً بازرسی می کرده اند .

زندانیان سیاسی زندان قصر در حال اعتصاب بسر میبرند . مطابق مقررات جدید هیچکس بجز پدر و مادر و یازن و شوهر زندانی حق ملاقات را ندارد و تازه بعضی از زندانیان نیز از همین « حق » محرومند .

چریک فدائی خلق رفیق حمید مؤمنی «م - بیدسخی» نویسنده و مترجم با سابقه ، اخیراً هنگام مراجعه به محل ملاقات با یکی از سمپات با مأمورین رژیم مواجهه میشود و دستگیر یا کشته شده است . رفیق مؤمنی سالها بنام مستعار « م - بیدسخی » آثاری در زمینه تحول جوامع و سایر تکاملی تاریخ تالیف کرده و پاره ای از آثار نویسندگان شوروی مانند « دولت نادر شاه افشار » (اثر م . ر . آرنووا) را بفارسی برگردانده بود . چند سال پیش پس از کشف رابطه اش با سازمان چریکهای فدائی خلق مخفی شد و بنعالت حرقه ای در بطن سازمان پرداخت .

فقدان این رفیق بارز و با سابقه موجب تأثر فراوان است ولی اینبار نیز مانند همیشه رفقای مبارز دیگری پرچم او را برافراشته نگاه خواهند داشت .

آمل - در درگیری يك پایگاه در آمل ، چریک فدائی خلق رفیق فاطمه حسن پور حماسه ای جاودانی ساخت . این رفیق مبارز هشت ساعت با نیروهای وسیع دشمن بی جنگ پرداخت و رفقای دیگر را زیر چتر آتش خود موفق بفرار ساخت سپس پایگاه و همه اسناد را به آتش کشید و پس از کشتن دو افسر مزدور و يك درجه دار برای اینکه زنده بدست دشمن نیفتد با انفجار نارنجک خود را شهید کرد . شدت برخورد جدی بود که تا چند ساعت بعد از شهادت رفیق ، نیروهای امنیتی جرأت ورود به پایگاه را نداشتند .

این واقعه موجب عکس العمل بسیار وسیعی در میان مردم آمل شده است . مردم که شاهد ترس وافر نیروهای امنیتی (و از جمله غش کردن رئیس شهربانی از ترس) بودند ، عمل حماسه آفرین رفیق را دمان بدهان تعریف میکردند و حتی از شدت عشق به او ، داستانهائی هم بر آن من افزودند . ما یار این رفیق عزیز را گرامی میداریم و ایمان داریم که نمونه او عناصر بسیاری را بمیدان مبارزه انقلابی خواهد آورد .

گرگان - در محاصره یکی از پایگاههای سازمان چریکهای فدائی خلق در گرگان که رژیم خبر آترا تحریف شده منتشر ساخت ، کلیه افرادی زیر چتر حمایت آتش رفیق مسرور فرهنگ موفق به فرار میشوند . این رفیق نیز قبل از شهادت پایگاه را به آتش کشید بطوریکه هیچیک از اسناد سازمان بدست دشمن نیفتاد . درود بر او و صداقت و جسارت انقلابیش باد .

در ساری رفیق چریک زهره آغانیل پس از آنکه مواجه با نیروهای امنیتی شد و امکان فرار نداشت با نارنجک خود کشی کرد . تلفات نیروهای دشمن مشخص نشده است . در همین درگیری يك رفیق دیگر که مسلح نبود پس از يك زد و خورد موقتاً موفق به فرار شد ولی متأسفانه در درگیری بعدی بشهادت رسید .

رفیق فتحعلی پناهیان در سر قرار بایک سمپات در تهران با نیروهای امنیتی مواجه و درگیر شد . ولی پس از کشتن یکنفر از مأمورین رژیم و زخمی کردن سه نفر از آنان ، با شلیک مسلسلهای مأمورین جانی از پای در آمد . درود بر او .

ظفر مند باد مبارزه عادلانه خلق عمان